

کتاب‌شناسی

کارهای علمی درباره فرهنگ اسلامی

در این بخش، «مقالات و بررسیها» برای اطلاع اهل تحقیق از برخی کتابهای با ارزش که در خارج و داخل ایران در باره فرهنگ اسلامی به چاپ رسیده است اطلاعاتی در اختیار خوانندگان خود قرار می دهد.

ترتیب کتابهایی که در زیر معرفی میشود، برحسب تاریخ وصول اصل کتاب به دفتر نشریه است.

۱- کتابهای اروپائی

• تاریخ آسیای میانه در دوران قدیم •

تألیف فرانتس آلتهایم و روث اشتھیل . ۱۹۷۰ ، برلین ، ۸۱۱ صفحه
"Geschichte Mittelasiens in Alterum", Berlin, Verlag Walter de Gruyter 1970, 811 pp.

این کتاب درحقیقت همان موضوعاتی را مورد بحث قرار میدهد که قبلاً در کتاب دیگر این دو استاد بنام «تاریخ جهانی آسیا در دوره هلنی تا (۴۸-۱۹۴۷)» مطرح شده بود ، هرچند که در این کتاب بیشتر به تأثیر تمدن یونانی در تاریخ آسیای مرکزی و بدینظم و ترتیب تاریخی مسائل توجه شده است .

مطالب این کتاب کلاً از آثار قبلی این مؤلفان مأخوذ است ، لکن در برخی از قسمتهای آن از همکاری دانشمندان و صاحب نظران دیگری که در زمینه های مورد بحث ، تخصص دارند نیز استفاده شده است .

موضوعات کتاب به ۹ بخش تقسیم می شود :

« زرتشت » (صفحات ۹ تا ۱۱۹) ، « ایران خاوری تا زمان اسکندر» (۱۲۳ تا ۱۹۱) ، « سکندر» (۱۹۵ تا ۲۶۳) ، « جانشینان اسکندر در شرق » (۲۶۷ تا ۳۵۵) ، « یونانیان در شرق ایران و در شمال غربی هند» (۳۵۹-۴۴۰) ، « پارتیها» (۴۴۳ تا ۵۴۹) ، « بیرون شدن یونانیان از هند و ایران خاوری» (۵۵۳ تا ۶۲۸) ، « کوشانها و دوران حکومت آنها» (۶۳۱ تا ۷۰۹) ، « اوستا ، خلاصه مطالب» (۷۲۳ تا ۷۵۲) .

از مباحث شایان توجه این کتاب ، مطالب تازه ای است که درباره « کتیبه های آرامی در هند و مشرق ایران » (۳۳۴ تا ۳۵۵) و نیز درباره کتیبه های نقش رستم ، تکسپید ، قندهار و سایر نوشته های آرامی و یونانی یافته شده در این نواحی ، بمیان آمده است .

دیگر از بخشهای مهم این کتاب نکاتی است که درباره زرتشت و اوستا و تاریخ متون اوستائی در آن آمده است ، و مقاله زمرنی Szemerényi درباره تأثیر محیط و فرهنگ سغدی در اوستا نیز در این شمار است . مؤلفان کتاب کوشیده اند که از تحلیل این آثار به شرح اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران آن روزگار بپردازند .

مطالبی که درباره مناسبات سیاسی ایران شرقی با ایران غربی در اواخر عصر هخامنشی (صفحه ۱۷) نوشته شده ، و نیز اشاراتی که به اهمیت تیراندازان و سوارکاران ایران شرقی در سازمان لشکری

اسکندر وسهم آنان در تجهیز قوای نظامی مقدونی (ص ۲۱۲) در این کتاب آمده است ، قابل ذکر است^۱.

« معجزات انبیاء از نظر اشاعره ، تا زمان غزالی »

[Prophetenwunder in der. Ašāriya bis al - Gazali. (Algazel)]
(Islamkundliche Untersuchungen, Bd.II), Freiburg: Verlag klaus Schwortz, 1970, 135 pp.

نوشته «پیترانتس (تحقیقات اسلامی ج ۲)» ، ۱۹۷۰ ، فرایبورگ
۱۳۵ صفحه .

این کتاب رساله‌ای است که آقای آنتس برای اخذ درجه دکتری از دانشگاه فرایبورگ تألیف نموده است . نویسنده در این رساله مسأله «معجزه» را در دین اسلام از نظر علماء اشعری مورد بحث قرار داده و عقاید متکلمان این مذهب چون اشعری ، باقلانی ، بغدادی ، جوینی و غزالی را در این باب بیان داشته است .

این رساله با بخشی در باره احوال و آثار محمد غزالی شروع می‌شود ، سپس به شرح مواردی که در قرآن به موضوع «معجزه» اشاره رفته است ، می‌پردازد ، و در معانی کلماتی چون «آیه» ، «بینه» «برهان» و «دلیل» که در آن کتاب آمده است ، تحقیق می‌کند .

بحث در چگونگی مفهوم «معجزه» ، «کرامت» و «خرق عادت» از مطالب قابل ذکر این رساله است .

بخش دوم شامل مباحثی است درباره مسأله علیت و ارتباط حوادث طبیعی ، قدرت کامل الهی ، آزادی عمل و اراده انسانی ، و مناسبات این امور با هم . نویسنده در ضمن کار خود به مقایسه آراء اسلامی با نظرات مسیحی در این باب نیز توجه داشته است^۲.

۱ - نقل از Mundus, vol. VII, 1971, no. 2.

۲ - نقل از Mundus, VII, 1970, no, 2

«مغول در ایران - سیاست - ملکداری ، و ادبیات در عصر ایلخانیان
(۱۲۲۰ تا ۱۳۵۰ میلادی)»

تألیف برتند اشپولر ، طبع سوم ، با تجدید نظر کامل ۱۹۶۸ ،

برلین ، ۶۲۴ صفحه Die Mongolen in Iran. Politik, Verwaltung
und Kultur der Ilchanzeit 1220 - 1350. Berlin: Akademie Verlag,
3rd. ed., 1968, 624 pp.

مقام علمی و ارزش و اعتبار تحقیقات پروفیسور اشپولر معروفتر
از آنست که محتاج تذکر و شناساندن باشد وی در این کتاب آثار و
نتایج حمله مغول را در ایران مورد تحقیق قرار داده ، و اوضاع سیاسی
و اجتماعی و فرهنگی ایران را در دوران صد و چندساله حکومت ایلخانیان
به تفصیل تجزیه و تحلیل نموده است .

از بخشهای شایان توجه این کتاب تحقیقاتی است که درباره
حکومتهای محلی و غیر مغولی ایران آن زمان و روابط آنها با سازمان
دولتی حکومت ایلخانیان بعمل آمده است . تأثیر حکومت مغول در
اوضاع دینی ایران و نتایج حاصله از برافتادن دستگاه خلافت و از میان
رفتن مرکزیت دینی و سیاسی آن نیز از مطالب مهم این تألیف است .
پروفیسور اشپولر در این کتاب بسیاری از مواد و مدارکی را که
مؤلفان پیش از او ، چون هامریورگشتال و دوهسون (Muradjea
(d' Ohsson) بدانها دسترسی نداشته اند مورد استفاده قرار داده ، و به
همه تحقیقاتی که در تاریخ تحقیق طبع کتاب او (۱۹۳۹) تا کنون در
این باره بعمل آمده است نیز توجه داشته است .

فتح الله مجتبائی

۲ - کتابهای فارسی و عربی

« تأثیر فرهنگ عرب در اشعار منوچهری دامغانی »

تألیف دکتر ویکتورالکک ، استاد دانشگاه لبنان ، مقدمه از دکتر محمد محمدی . از انتشارات دارالمشرق ، بیروت . ۱۹۷۱ - قطع وزیری ، ۱۸۰ ص . چاپ المطبعة الكاتولیکیه فی بیروت .

مؤلف این کتاب آقای دکتر ویکتورالکک که در حال حاضر تدریس زبان فارسی و عربی را در دانشگاه لبنان بر عهده دارد از دانشجویان سابق همان دانشگاه می باشد که زبان فارسی را نخست در کرسی زبان و ادبیات فارسی آن دانشگاه آموخت و سپس در دانشگاه طهران به تحصیلات خود ادامه داد و پس از نیل بدرجه دکتری در هیأت علمی دانشگاه لبنان پذیرفته شد و اکنون چندین سال است که تدریس زبان فارسی و عربی را در آن دانشگاه عهده دار است و اخیراً نیز به سمت مدیر گروه ادبیات عرب آن دانشگاه انتخاب گردید . کتاب حاضر دارای یک پیش گفتار و ده فصل است که باب اول آن درباره نفوذ زبان و ادبیات عرب در ایران تا پایان دوران غزنویان است و باب دوم درباره نفوذ زبان و ادبیات و عروض عرب است در اشعار منوچهری .

مقدمه این کتاب به قلم آقای دکتر محمدی رئیس این دانشکده است که سالها ریاست کرسی ادبیات فارسی دانشگاه لبنان را عهده دار بودند و برای معرفی این کتاب بهتر از آن ندیدیم که خلاصه آن مقدمه را که شامل مطالبی ارزنده در باره پیوستگیهای تاریخی دو زبان فارسی و عربی است در اینجا نقل کنیم .

«... در این موضوع به عنوان مقدمه باید به این امر توجه کنیم که روشی را که نویسندگان فارسی زبان در اقتباس کلمات عربی به کار بسته‌اند با رویه‌ای که نویسندگان عربی در استعمال کلمات فارسی از آن پیروی نموده‌اند اختلاف بسیار دارد و در نتیجه همین اختلاف است که اثر زبان عربی در زبان فارسی خیلی ژرفتر و گسترده‌تر از اثر زبان فارسی در عربی گردیده است.

«از مهمترین اختلافهایی که بین این دو شیوه اقتباس وجود دارد یکی این است که نویسندگان عربی زبان در استعمال کلمات بیگانه و از آن جمله فارسی تنها به قدر ضرورت اکتفا کرده‌اند، و زائد بر آن را جایز ندانسته‌اند، یعنی فقط الفاظ یا تعابیری را از این زبان گرفته‌اند که یا در زبان عربی نیافته‌اند و یا اینکه لفظ و تعبیر فارسی را برای معنی مقصود دقیق‌تر و مناسب‌تر دیده‌اند، ولی نویسندگان فارسی زبان در استعمال کلمات عربی اندازه نگاه نداشته‌اند و از حد ضرورت قدم فراتر نهاده‌اند، و به تناسب ذوق و سلیقه خود آنچه خواسته‌اند از کلمات عربی به کار برده‌اند، اعم از اینکه مرادف آنها در زبان فارسی وجود داشته یا نداشته. بدون شک یکی از علتها و شاید هم مهمترین علت این امر، این بوده که وقتی در قرن سوم و چهارم هجری زبان فارسی در جهان علم و کتابت دوباره جایی برای خود باز کرد، بسیاری از اصطلاحات و تعبیرهای آن، در نتیجه دو سه قرن سستی و ناتوانی، یا فراموش شده بود و یا اینکه نویسندگان و متادبان برای اظهار فضل و هنر خویش به استعمال آنها که سخن عوام بود رغبتی نشان ندادند و به جای آنها کلمات عربی به کار بردند، زیرا در این دوره غالب کسانی که به فارسی چیز می‌نوشتند یا شعر می‌گفتند کم و بیش به زبان عربی آشنا بودند، و دانستن زبان عربی هم خود

۲ - کتابهای فارسی و عربی

« تأثیر فرهنگ عرب در اشعار منوچهری داسفانی »

تألیف دکتر ویکتورالکک ، استاد دانشگاه لبنان ، مقدمه از دکتر محمد محمدی . از انتشارات دارالمشرق ، بیروت . ۱۹۷۱ -
قطع وزیری ، ۱۸۰ ص . چاپ المطبعة الكاتولیکیه فی بیروت .

مؤلف این کتاب آقای دکتر ویکتورالکک که در حال حاضر تدریس زبان فارسی و عربی را در دانشگاه لبنان بر عهده دارد از دانشجویان سابق همان دانشگاه می باشد که زبان فارسی را نخست در کرسی زبان و ادبیات فارسی آن دانشگاه آموخت و سپس در دانشگاه طهران به تحصیلات خود ادامه داد و پس از نیل بدرجه دکتری در هیأت علمی دانشگاه لبنان پذیرفته شد و اکنون چندین سال است که تدریس زبان فارسی و عربی را در آن دانشگاه عهده دار است و اخیراً نیز به سمت مدیر گروه ادبیات عرب آن دانشگاه انتخاب گردید . کتاب حاضر دارای یک پیش گفتار و ده فصل است که باب اول آن درباره نفوذ زبان و ادبیات عرب در ایران تا پایان دوران غزنویان است و باب دوم درباره نفوذ زبان و ادبیات و عروض عرب است در اشعار منوچهری .

مقدمه این کتاب به قلم آقای دکتر محمدی رئیس این دانشکده است که سالها ریاست کرسی ادبیات فارسی دانشگاه لبنان را عهده دار بودند و برای معرفی این کتاب بهتر از آن ندیدیم که خلاصه آن مقدمه را که شامل مطالبی ارزنده در باره پیوستگیهای تاریخی دو زبان فارسی و عربی است در اینجا نقل کنیم .

«...در این موضوع به عنوان مقدمه باید به این امر توجه کنیم که روشی را که نویسندگان فارسی زبان در اقتباس کلمات عربی به کار بسته‌اند با رویه‌ای که نویسندگان عربی در استعمال کلمات فارسی از آن پیروی نموده‌اند اختلاف بسیار دارد و در نتیجه همین اختلاف است که اثر زبان عربی در زبان فارسی خیلی ژرفتر و گسترده‌تر از اثر زبان فارسی در عربی گردیده است.

«از مهمترین اختلافهایی که بین این دو شیوه اقتباس وجود دارد یکی این است که نویسندگان عربی زبان در استعمال کلمات بیگانه و از آن جمله فارسی تنها به قدر ضرورت اکتفا کرده‌اند، و زائد بر آن را جایز ندانسته‌اند، یعنی فقط الفاظ یا تعابیری را از این زبان گرفته‌اند که یا در زبان عربی نیافته‌اند و یا اینکه لفظ و تعبیر فارسی را برای معنی مقصود دقیق‌تر و مناسب‌تر دیده‌اند، ولی نویسندگان فارسی زبان در استعمال کلمات عربی اندازه نگاه نداشته‌اند و از حد ضرورت قدم فراتر نهاده‌اند، و به تناسب ذوق و سلیقه خود آنچه خواسته‌اند از کلمات عربی به کار برده‌اند، اعم از اینکه مرادف آنها در زبان فارسی وجود داشته یا نداشته. بدون شک یکی از علتها و شاید هم مهمترین علت این امر، این بوده که وقتی در قرن سوم و چهارم هجری زبان فارسی در جهان علم و کتابت دوباره جایی برای خود باز کرد، بسیاری از اصطلاحات و تعبیرهای آن، در نتیجه دو سه قرن سستی و ناتوانی، یا فراموش شده بود و یا اینکه نویسندگان و متأدبان برای اظهار فضل و هنر خویش به استعمال آنها که سخن عوام بود رغبتی نشان ندادند و به جای آنها کلمات عربی به کار بردند، زیرا در این دوره غالب کسانی که به فارسی چیز می‌نوشتند یا شعر می‌گفتند کم و بیش به زبان عربی آشنا بودند، و دانستن زبان عربی هم خود

هنری بزرگ به شمار می‌رفت؛ بنا براین، طبیعی بود که زبان فارسی هم میدان مناسبی برای این هنر نمائی گردد و چیزی که به این امر کمک می‌کرد این بود که زبان عربی به علت وضع خاص دینی خود برای فارسی نویسان یک زبان بیگانه نبود که اقتباس از آن را عیبی شمارند و از آن به پرهیزند بلکه زبانی مأنوس و خودی به شمار می‌رفت که در استعمال کلمات آن هیچگونه احترازی لازم نمیدانستند.

«البته این را هم باید گفت که در آغاز کار، نویسندگان فارسی زبان تا حد زیادی رعایت سنتهای زبان فارسی را می‌کردند و در استعمال کلمات عربی اگر هم تنها به قدر ضرورت اکتفا نمی‌کردند باری جانب اعتدال را هم رها نمی‌ساختند، ولی به تدریج که در قرنهای بعد در فن نویسندگی و اسلوب انشاء تحولی پدید آمد و به خصوص از هنگامی که نویسندگان به آرایش سخن و به کار گرفتن صنایع لفظی و معنوی در منشآت خود دلبستگی پیدا کردند و رفته رفته کار آنها در این زمینه به افراط و مبالغه کشید استعمال کلمات عربی هم بالا گرفت تا حدی که فهم و درک صحیح بعضی از منشآت فارسی برای کسانی که در علوم لغوی عربی دستی نداشتند سخت و دشوار گردید. ولی این مطلب را هم نباید ناگفته گذاشت که در بین نویسندگان فارسی زبان آنها که دارای ذوق سلیم و فهمی استوار و بینشی صحیح در فن انشای فارسی بوده‌اند در انتخاب کلمات عربی و استعمال آنها در نوشته‌های خود به خوبی رعایت ذوق و سلیقه و تناسب و هماهنگی کلمات را کرده و آن الفاظی را برگزیده و به کار برده‌اند که هم ساده و روان و هم خوش آهنگ و دلپذیر و هم از لحاظ معنی ایجاز آن بیشتر از تعبیر فارسی بوده است.

«دیگر از اختلافاتی که بین شیوه فارسی نویسان و عربی نویسان در اقتباس کلمات از زبان دیگر وجود دارد این است که اعراب

کلمات فارسی را که در زبان عربی به کار برده‌اند مانند هر کلمه خارجی در آن تغییر شکل داده و آن را به گونه کلمات عربی درآورده‌اند؛ اگر در آنها حروفی بوده که در زبان عربی وجود نداشته آنها را به حروف مشابهی که در زبان عربی وجود داشته تبدیل کرده‌اند، و اگر شکل و هیأت آنها با شکل و هیأت کلمات عربی نا سازگار بوده آنها را به صورتی تغییر داده‌اند که به گونه الفاظ عربی درآید و با آنها در وزن و صیغه هماهنگ شوند، و طبیعی است که کلماتی که بدین صورت تغییر شکل دهند از لحاظ قواعد لغوی و دستوری هم تابع قواعد زبان عربی خواهند شد نه تابع زبان اصلی، و به همین جهت است که غالب کلمات فارسی که در زبان عربی به کار رفته‌اند طوری از اصل خود دور افتاده و چهره عربی به خود گرفته‌اند که باز شناختن آنها دشوار و راه یافتن به اصل آنها بدون مطالعه و بحثهای دقیق لغوی نا ممکن است، ولی کلمات عربی در زبان فارسی به استثنای عده کمی از آنها از این گونه تصرفها در امان مانده و شکل و هیأت خود را همچنان حفظ کرده‌اند، زیرا ایرانیان که زبان عربی را از راه دین و برای خاطر دین آموخته و می‌آموختند زبان عربی را هم یکی از مظاهر مهم اسلام می‌شمردند و تصرف در کلمات عربی را هم روا نمیداشتند هر چند آن کلمات در زبان فارسی به کار می‌رفتند، و به همین جهت کلمات عربی را در زبان فارسی با همان حروفی که در زبان عربی نوشته می‌شدند، هر چند برای آن حروف در لهجه فارسی مخرج صوتی نمی‌بود، می‌نوشتند و از تصرف دیگری هم که موجب تغییر لفظ گردد تا آنجا که میسر بود خودداری مینمودند و حتی در اعمال قواعد لغوی و دستوری هم تا جائی که ممکن بود رعایت قواعد عربی را در باره آنها لازم می‌شمردند. و به همین جهت است که باز شناختن کلمات عربی در زبان فارسی کاری ساده است، زیرا این کلمات غالباً در زبان فارسی مشخص و چشم گیرند.

« چون همه سخن از زبان فارسی بود بدون اینکه بین نظم و نثر فارسی فرقی بگذاریم در اینجا لازم می‌آید که این نکته را هم اضافه کنیم که در این زمینه یعنی در استفاده از کلمات عربی بین نظم و نثر فارسی فرقی هست ، و آن این است که شعر پارسی از لحاظ آمیختگی با کلمات بیگانه و از آن جمله کلمات عربی سالم‌تر از نثر پارسی مانده است ، زیرا نثرنویسان همچنانکه گفتیم در استعمال کلمات عربی کمتر خود را محدود به ضوابط و قواعدی ساخته‌اند ، ولی سنت شعری فارسی اجازه چنین بی‌مبالائیها را نمی‌داده است. شعر واقعی ، زبان طبیعی مردم و بازگوکننده احساسات و عواطف و یا امیدها و آرزوهای فردی و اجتماعی آنها است ، بنابراین می‌بایستی روان و بی‌تکلف و خالی از کلمات نا مانوس و دور از ذهن باشد و به همین جهت از بین همه شاعران فارسی‌گوی کسانی شهرت یافته‌اند و دیوانهای آنها را در هر کوی و برزن می‌توان یافت که شعر آنها علاوه بر معانی بلند دارای انشائی روان و کلماتی ساده و مانوس و دور از تکلفهای ادبی است ، نثر فارسی هم تا آنجا که با مردم سروکار داشته به همین گونه است مانند نثر قصه‌ها و داستانها و افسانه‌ها ، و هرآنچه جزء فرهنگ عامه به شمار می‌رود؛ ولی نثری که ما در این جا در مقابل نظم به کار می‌بریم نثر ادبی وقتی و یا به اصطلاح عامه مردم «لفظ قلم» است ، این نثر است که غالباً اسباب دست‌نشینان و مترسلان عبارت‌پرداز و میدان فضل‌فروشی و هنرنمائیهای آنها بوده و خیلی هم با مردم و زندگی آنها سروکاری نداشته است .

« ولی معنی این سخن این نیست که شاعران فارسی‌گوی از تأثیر زبان و ادبیات عربی برکنار مانده‌اند و شعر فارسی در این داد و ستد لغوی سهمی نداشته است ، زیرا شعر فارسی همچون دریای بی‌کرانی است که در آن همه گونه سنگ و گوهر می‌توان یافت ؛ در آن می‌توان

آثاری همچون شاهنامه فردوسی یافت که خود ادامه ادبیات پیش از اسلام ایران، بی واسطه زبان عربی، است، و در آن الفاظ و تعابیر عربی بسیار اندک است، و می توان آثار دیگری هم یافت که ناظران آنها بیش از حد معمول و خارج از سنتهای شعری ایران، در آنها الفاظ عربی به کار برده و شعر خود را وسیله ای برای اظهار فضل و عرضه معلومات خویش قرار داده اند، اگرچه عده چنین شاعرانی زیاد نیست ولی در هر حال ادبیات منظوم فارسی از این گونه دیوانها هم خالی نیست، و یکی از این دیوانها بلکه در رأس همه آنها دیوان شاعر نامی ایران در قرن پنجم هجری منوچهری دامغانی است...

« آقای دکتر الککک بحث و بررسی درباره منوچهری و تأثیر ادبیات عربی را در اشعار او به عنوان موضوع کتاب خود برگزیدند، و با زمینه های مطالعاتی که درباره هر دو زبان دارند به خوبی و شایستگی از عهده این کار برآمدند. کتاب حاضر که نمونه ای از دقت بحث و حسن ذوق و سلیقه مؤلف فاضل آن است جایی را در ادبیات فارسی و در زمینه ادبیات تطبیقی پرمیکند که تا به حال خالی می نمود، و جای خوشوقتی است که معلومات سودمند و روش عالمانه آقای دکتر ککک در هر دو رشته عربی و فارسی در دانشگاه لبنان به خوبی مورد استفاده قرار گرفته و دانشجویان رشته های ادبی آن دانشگاه برای این گونه بحثهای مشترک عربی و فارسی که یکی از هدفهای اصلی کرسی زبان و ادبیات فارسی آن دانشگاه بوده و هست نمونه های نیک و ارزنده ای در اختیار دارند، و من امیدوارم که مؤلف دانشمند این کتاب مطالعات خود را در این زمینه ها ادامه دهند و در آینده نیز علاقه مندان به مسائل مشترک بین دو زبان را از ثمره ذوق و اندیشه خود برخوردار سازند.»

(مقالات و بررسیها)

« خریدة القصر و جريدة العصر »

تأليف عماد الدين الاصفهاني (ابوعبدالله محمد بن محمد) ،
 به تصحيح دكتور آذرتاش آذرنوش . قسمت دوم از شعرای مغرب و
 اندلس، تأليف عماد كاتب اصفهاني، تحقيق دكتور آذرتاش آذرنوش،
 مراجعة محمد المرزوقي، محمد العروسي المطوي، الجيلاني ابن الحاج
 يحيى. [تونس] الدارالتونسية للنشر [۱۹۷۱ م.] قطع وزيرى.
 يك جلد ۳۴۱ ص، مقدمه عربى آذرنوش و مقدمه عربى دارالنشر.
 آقاى دكتور آذرنوش، دانشيار و معاون دانشكده الهيات،
 كتاب مزبور را براساس دونسخه مخلوط معتبرى كه در كتابخانه ملى
 پاریس موجود است تصحيح انتقادى كرده است و مقدمه اى بزبان
 فرانسه درباره روش وسبك مؤلف «خریده» نوشته است كه خود داراى
 اهميت خاصى است. آقاى دكتور آذرنوش علاوه برمقدمه در حدود
 يك صد صفحه تعليقات و استدراكات با ارزشى ارائه داده است و در
 پاورقى تمام صفحات ونيز در تصحيح عبارات و توضيح و تحشيه وحل
 مشكلات لغوى وفهارس متعدد، اتناجى كه در شان يك محقق خوش-
 قريحه و جوان مى باشد بوجود آورده.

أخيراً دارالتونسية للنشر كه نسخه ديگرى از كتاب بدست
 آورده وبراى چاپ آماده نموده بود، از كتاب دكتور آذرنوش اطلاع
 حاصل كرد و درصدد برآمد كه ملاحظات اين نسخه را در آن كتاب
 تلفيق نموده و يكجا به طبع رساند. سرانجام اين كار با مراجعه چندتن
 از فضلاى تونس انجام گرفت و كتاب به طبع رسيد. محققين تونسى
 در مقدمه كوتاهى كه درباره كيفيت چاپ كتاب آورده اند، متذكر
 شده اند كه در پايان كتاب مقدمه فرانسوى آقاى دكتور آذرنوش را

چاپ خواهند کرد. اما متأسفانه در این جلد از مقدمه فرانسه وحتى از تعلیقات یکصد صفحه‌ای ایشان اثری نیست و گویا دارالنشر تونس در نظر دارد همه را یکجا در جلد دوم این کتاب که ظاهراً هم اکنون زیر چاپ است انتشار دهد.

تعریف «خریده القصر» :

«خریده» یکی از منابع اصیل و معتبری است که شرح حال و آثار عده بسیاری از ادبا و شعرای عرب زبان قرن ششم ه. (تقریباً سال ۵۰۰ تا ۵۷۲ ه.) را در بر دارد و مرجع بسیاری از شرح حال نویسندگان و مؤرخان امثال ابن خلکان در «وفیات الاعیان» و یاقوت در «معجم الادباء» و ابن سعید در «المغرب» و ابن تغری بردی در «النجوم الزاهرة» میباشد.

عماد اصفهانی کتاب «خریده» را ذیلی بر کتاب «زینة الدهر» ابوالمعالی سعید بن علی الحظیری وراق (م. در ۵۶۸ ه.) قرار داده و حظیری کتاب خود را ذیلی بر «یتیمة الدهر» ابو منصور ثعالبی (م. در ۴۲۹ ه.) قرار داده و نیز ثعالبی «یتیمه» را ذیلی بر کتاب «البارع» هارون بن علی منجم (م. در ۳۸۸ ه.) نهاده است. بدین ترتیب کتاب «خریده» مکمل یک سلسله کتابهای تراجم معتبر و مختارات ادبی میباشد.

ترجیح «خریده» بر سایر کتب تراجم در وثوق و اعتماد به مطالب آن است، زیرا عماد اصفهانی مطالب این کتاب را مستقیماً یا بوسیله مراسله و یا احياناً مسافرت به دیار دیگر گردآوری کرده است. معذک لازم است متذکر شویم که عماد در مجلدات اخیر کتاب «خریده» بیشتر به کتابهای موجود اعتماد کرده تا به مشاهدات و کشفیات شخصی. کتاب عظیم عماد محدود به اقلیم خاصی نمی باشد بلکه شامل قسمت اعظم سرزمین اسلامی در زمان مؤلف است.

چاپ‌های «خریده» :

نظر به اهمیت کیفی و کمی کتاب قسمت عمده آن بشرح زیر به چاپ رسیده است:

۱ - شعراء العراق... تحقیق محمد بهجت الاثری و... جمیل سعید. بغداد، مطبعة المجمع العلمي العراقي، ۱۹۵۵. ۴۳۷ ص. جلد اول. جلد دوم ۱۹۶۴ - ۴۴۰ ص.

۲ - شعراء مصر... تحقیق شوقی ضیف و احمد امین و احسان عباس. قاهره، لجنة التألیف و الترجمة، ۱۹۵۱. دو جلد، خشتی.

۳ - شعراء الشام. تحقیق... شکری فیصل. دمشق، المطبعة الهاشمية، ۱۹۵۵ - ۱۹۶۸. چهار جلد، وزیری.

۴ - شعراء المغرب (القسم الاول). تحقیق محمد المرزوقی و محمد العروسی و الجیلانی بن الحاج یحیی. [تونس] دارالتونسیة للنشر، ۱۹۶۶. ۴۵۳ ص، وزیری.

۵ - همان کتاب (القسم الرابع الجزء الاول). تحقیق عمر الدسوقی و علی عبدالعظیم. قاهره، دارنهضة مصر للطباعة و النشر، ۱۹۶۴. ۵۰۹ ص، وزیری.

قابل ملاحظه این که قسمت دوم از شعرای مغرب بوسیله همین محققان در قاهره چاپ شده است و بنا به اطلاع آقای احمد افشار شیرازی قسمت شعرای ایران توسط شکری فیصل در دمشق در دست چاپ است.

مؤلف:

ابوعبدالله محمد بن محمد بن حامد بن عبدالله بن علی ملقب به عمادالدین و کاتب و معروف به کاتب اصفهانی و عماد کاتب و ابن اخی‌الوزیر از بزرگان ادبا و فقهای شافعیه در ۵۱۹ ه. در اصفهان

تولد یافت و در بغداد نشو و نما کرد و در مدرسه نظامیه آنجا تعلیم یافت سپس به ممالک مختلف مسافرت کرد و در سال ۵۹۷ ه. در دمشق درگذشت و در مقابر صوفیه مدفون شد.

از تألیفات اوست: «خریده القصر و جریده اهل العصر»، «دیوان شعر» در چهار جلد، «دیوان الرسائل»، «زبدة النضرة و نخبة العصرة» که در پاریس و لیدن چاپ شده، «العتبی و العقبی» یا [«عتبی الزمان»]، «الفتح القسی فی الفتح القدسی» که در مصر و لیدن چاپ شده، «نحلة الرحلة و نصرة الفترة» که در تاریخ آل سلجوق است.^۱

سید مرتضی شیرازی.

* * *

« افق وحی »

تألیف: جناب حاج میرزا خلیل کمره‌ای - از انتشارات جمعیت راه حق.

چاپخانه اسلامیة، تهران ۱۳۴۷ ش، ۱۳۸۸ ق - قطع
وزیری، الف - ح + ۸ + ۷۴۷ ص.

مؤلف محترم جناب آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای از علمای اعلام که دارای آثار و تألیفات دیگری نیز هستند، در این کتاب که

۱ - رکه به معجم الادبیه ج ۱۹ ص ۱۱، تاریخ ابن خلکان ج ۲ ص ۱۸۸، قاموس الاعلام ج ۵ ص ۳۲۰۴، کشف الظنون، اعلام زرکلی ج ۷ ص ۲۵۳ (چاپ سوم)، وفيات الاعیان ج ۲ ص ۷۴، الاعلام بتاريخ الاسلام، مرآت الزمان ج ۸ ص ۵۰۴، الطبقات الکبری تألیف سبکی ج ۴ ص ۹۷، الوافی تألیف صفدی ج ۱ ص ۱۳۳، المختصر تألیف ابوالفداء ج ۳ ص ۱۰۰، کتاب الروضین ج ۱ ص ۱۴۴ و ج ۲ ص ۲۴۴، مفتاح السعادة تألیف طاش کبری زاده ج ۱ ص ۲۱۴، آداب اللغة العربیة تألیف جرجی زیدان ج ۳ ص ۶۱، معجم المؤلفین تألیف عمر رضا کعالة ج ۱۱ ص ۲۰۴، الجامع المختصر تألیف ابن ساعی ج ۹ ص ۶۱، البدایة تألیف ابن کثیر ج ۱۳ ص ۳۰، مرآة الجنان تألیف یاقمی ج ۳ ص ۴۹۳، شذرات الذهب ج ۴ ص ۳۳۲، ابضاح المکتون ج ۲ ص ۹۲.

اقتباسی از دروس ایشان در «جمعیت راه خدا» و نیز در دانشگاه بسال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۲ می باشد ، با نثر فارسی ویژه خود ، مسائل مربوط به وحی را که از مسائل غامض و پیچیده است با توجه به رویدادهای تاریخی صدر اسلام و احادیث مناسب مطرح کرده اند .

جناب آقای کمرهای چندین سال تدریس متون احادیث را در مؤسسه وعظ و تبلیغ اسلامی دانشکده الهیات در عهده داشتند .

در آغاز کتاب ، نصوص احادیث مربوط به وحی را از آغاز تا سرانجام آن در سه مرحله: آغاز ، فترت ، ختم ؛ با استفاده از مآخذ معتبر تنظیم نموده اند ، سپس به ترجمه قسمتی از آنها آغاز کرده ، و در موارد لازم تعلیقاتی را که به فهم این احادیث مدد میکند بر آنها افزوده اند .

مؤلف محترم با استمداد از مفاهیم و مأنوسات اذهان مردم عصر ماکوشیده اند اسرار وحی را بازگو نموده و احادیث مربوط به آنرا طوری گزارش کنند که هم ارباب دانش و نیز عموم مردم بادیده قبول بدان نگرسته و اعتقاد لازم را در این زمینه بدست آورند .

بمناسبت ، ارتباط عمیق و گسترده ای که میان دوتن از نخستین زنان و مردانی که به اسلام گرویده اند (یعنی خدیجه و علی ع) با وحی وجود داشته مورد بحث قرار گرفته و از اهمیت شخصیت خدیجه از نظر دلداری پیغمبر (ص) و سایر جهات روحی و خانوادگی خدیجه در مناسبات آنها با موضوع وحی سخن بمیان آمده است و نیز ضمناً از این عباس و شخصیت علمی او بطور مبسوط بیاناتی مفید دیده میشود .

پس از این قسمت ضمن بحث از جبرئیل و اختلاف تمثلات و تشکلات او به صور مختلفه در وحی اسلامی ، تفوق و برتری وحی اسلامی بر ماتریالیست و راهب ؛ و تأثیر این تشکلات در شخص

پیغمبر (ص) گزارش شده است.

مؤلف محترم در اثناء گفتگو از ظهور و تجلی وحی بر موسی و عیسی (ع)، از کیفیت کشف اسرار بر یعقوب و اختلاف فرزندان او در امر آگاهی از اسرار، سخن گفته، و از مطاوی داستان یوسف نکات برجسته‌ای را استخراج کرده‌اند که مناسباتی در آن با موضوع وحی بچشم می‌خورد و برای تفهیم موضوع وحی از این نکات استفاده زیادی شده که تا حدودی، برخی از معضلاتی که در اینگونه وقایع بچشم می‌خورد حل می‌گردد.

تفاوت‌هایی که میان یوسف و عیسی (ع) از یکطرف و پیغمبر اسلام (ص) از طرف دیگر، وجود دارد، و این امتیازات که از حاق وقایع تاریخی و رفتار و اخلاق پیغمبر (ص) الهام گرفته، تفوق او را بر دیگران اثبات می‌کند. بهمین مناسبت بحث‌های جالبی در مورد شخصیت روحانی پیغمبر بمیان آمده که نموداری از تفوق او بر روح اشرافی و سرمایه‌داری است تا آنجا که اینگونه روحیه‌ها تحت تأثیر و دستخوش روح و شخصیت پیغمبر اسلام (ص) قرار می‌گیرد.

پس از آن، سلسله وقایع متفرقه تاریخی و احادیث و روایاتی است که حاکی از عمق و عظمت شخصیت انسانی و اخلاقی رسول اکرم (ص) می‌باشد، تا آن اندازه که تمام مظاهر وجودی پیغمبر (ص) می‌تواند الگو و سرمشق رفتار تمام افراد انسانی قرار گیرد.

همانطور که در اولین صفحه عنوان کتاب می‌بینیم کتاب مورد بحث اقتباسی از دروس مؤلف است و بهمین جهت فاقد عناوین برجسته و کلی است و فهرست منظمی ندارد و عناوینی که بعنوان فهرست در پایان کتاب آمده عناوینی جزئی است که نمیتواند نمودار باطن و مفهوم کلی کتاب باشد و با توجه به اینکه اکثر محتوای کتاب را احادیث و یا وقایع تاریخی تشکیل می‌دهد. اگر چه در برخی از موارد مستند

است - مآخذ آنها از لحاظ جلد یا صفحه کتاب مورد استفاده مشخص نیست و یا اساساً مآخذی برای آنها یاد نشده است علت این کمبود را باید در این امر جستجو کرد که کتاب مزبور در آغاز امر بصورت درس بوده و بطور شفهی انجام گرفته ، سپس جمع آوری شده و بصورت کتاب درآمده .

باری ، اگر کتاب بدقت مطالعه شود و روابط متفرقات آن مورد نظر قرار گیرد میتوان از آن بهره کافی بدست آورد .

در پایان این کتاب فهرست کلی دیگری بچشم میخورد که نشان میدهد مؤلف محترم جلد دوم این کتاب را که در حقیقت مکمل جلد اول است تنظیم نموده و آماده چاپ می باشد . محمد باقر حجتی

* * *

« نقد تحلیل حول المنجد فی الاعلام »

تألیف کمال موسوی ، اصفهان ، ۱۳۵۰ ، ۴ + ۱۸۱ + ۱۰ صفحه . (منشورات جامعه اصفهان ، ۱۱۹) .

آقای دکتر کمال موسوی که از استادان فاضل دانشگاه اصفهان و از فارغ التحصیلان سابق دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران اند ، اخیراً کتابی بدانشکده ارسال داشته اند که نظر با اهمیت موضوع آن و ضرورت اینگونه کار در اینجا به معرفی آن می پردازیم . کتاب لغت عربی به عربی «المنجد» که اینک در ایران رواج کامل یافته و مورد استفاده فراوان استادان و محققان و دانشجویان است توسط لوئیس معلوف تألیف گردیده . در خانوار معلوف نام های مشهور بسیار فراوان است ، اما شهرت لوئیس معلوف که از آباء یسوعی لبنان است ، بسبب تألیف المنجد تقریباً عالمگیر شده است .

کتاب المنجد معلوف در سال ۱۹۰۸ در لبنان انتشار یافت و پس از آن نیز بارها بصورت‌های گوناگون تجدید چاپ شد. اهمیتی که این کتاب کسب کرده است بهیچوجه به خاطر جنبه‌های علمی آن نیست، زیرا اشکالات متعددی در شرح لغات، نحوه بیان آنها، جایهائی که کلمات باید در آنها نهاده شود و در موارد متعدد دیگر آن دیده میشود. علاوه بر این، کتاب المنجد نیز مانند قاموس‌های دیگر عربی جنبه تاریخی ندارد و این امر در مورد زبان عربی که بیش از ۱۵۰۰ سال سابقه تاریخی دارد دشواری‌های فراوانی بوجود می‌آورد. مثلاً فردی که از زبان عربی معاصر اطلاع کاملی ندارد نمی‌داند که آیا کلمات مذکور در المنجد، امروز هم بمعانی مشروح در کتاب استعمال میشود یا خاص قرون گذشته بوده است. البته این انتقاد بر تمام کتب لغت معاصر وارد است و تنها کتابی که جنبه تاریخی در آن مراعات شده، قاموس عربی - انگلیسی و فرانسو بلاتر Blachère و همکاران اوست که از چند سال پیش، جزوه جزوه انتشار می‌یابد.

اما آنچه که باعث شهرت همه‌جانبه المنجد شده، سهولت استفاده، قطع مناسب و ارزانی و فراوانی کتاب است. در چاپ‌های اخیر حتی گام مؤثری برداشته شد و واژه‌ها را بدو رنگ قرمز و سیاه چاپ کردند تا چشم زودتر به کلمه مورد نظر برسد.

برای اینکه المنجد جامعتر و فایده آن عمومی‌تر گردد، فردینان توتل، در سال ۱۹۵۶ ذیلی تحت عنوان «المنجد فی الآداب و العلوم» که خود نوعی دائرةالمعارف عمومی است بر کتاب افزود که در سال ۱۹۶۹ مجدداً با همکاری گروهی از دانشمندان لبنانی بعنوان «المنجد فی الاعلام» بطبع رسید، و همین بخش است که مورد توجه و انتقاد آقای دکتر موسوی قرار گرفته است.

در این بخش انبوه عظیمی از اصطلاحات بصورت‌های نادرست ضبط شده و شرح‌هایی غیر علمی و گاه عامیانه در ذیل آنها آورده شده است. اشتباهات کتاب در مواردی که مربوط به اسلام و ایران و کشور های عربی میشود گاه شگفت‌آور است و بی‌اطلاعی مؤلف کتاب جای نهایت تأسف.

آقای دکتر موسوی بخشی از این اشتباهات را که اکثر گرد جوانب شرقی‌المنجد دور می‌زند یافته و هریک را به تفصیل تمام و با ذکر بعضی منابع و مأخذ از نو شرح کرده‌اند. بطوریکه کتاب ایشان مجموعه‌ای از اطلاعات علمی مفید و مورد حاجت گشته که به زبان عربی فصیح و روانی، تحریر یافته است.

اما بقطع می‌توانم گفت که کتاب سودمند ایشان بکار مؤلفان اعلام‌المنجد نمی‌آید. زیرا چنانکه پیداست این مؤلفان سطح کار را از نظر علمی سخت پائین گرفته‌اند و در اثر بی‌دقتی‌های شگفت‌آوری دچار لغزش‌های تندی گشته‌اند.

اگر مؤلف کتاب و دستیاران او به تحقیق و تدقیق تمایلی داشتند می‌توانستند به کتابهای متعددی به زبانهای اروپائی و فارسی و حتی عربی، و از همه مهمتر به دائرةالمعارف اسلامی مراجعه کنند.

نمونه‌ای که در زیر ذکر می‌کنیم نمایشگر نهایت بی‌توجهی مؤلف اعلام‌المنجد است:

نزد اروپائیان شرق‌شناس رسم بر این است که کلمات شرقی را به الفبای خود و با روشی خاص می‌نویسند تا نزد همگان قابل فهم درک باشد. در مورد مصوت‌های کوتاه و بلند، روش چنین است که کسره را بصورت (i) و «ای» را بصورت (ī) ، فتحه را بصورت (a) و «ا یا آ» را بصورت (ā) و نیز ضمه را بصورت (u) و «او» را بصورت (ū) می‌نویسند.

مؤلف‌المنجد که ظاهراً از این روش و روش نگارش دیگر حروف عربی به خط لاتینی اطلاع نداشته ناچار کلمات ایرانی را درست نمی‌خوانده و درست ضبط نمی‌کرده است.

مثلاً در کلمه بابل Babul یا بارفروش Barfurush که نام دیگر این شهر است (موسوی ص ۱۳) مؤلف تفاوت میان مصوت کوتاه (u) و مصوت بلند (ū) را در نیافته اولی را «بابول» و دومی را «بارفروش» نوشته است.

از همین قبیل است دامغان Dāmghan که بی‌توجهی به مصوت بلند اول باعث شده که دماغان نوشته شود. و نیز: سیپهر Sipihr بجای سپهر (موسوی ص ۵) که در آن مصوت کوتاه اول را مصوت بلند تصور کرده. آموداریا Amūdaryā بجای آمودریا (موسوی ص ۱۱۰) که در آن مصوت کوتاه (a) را (ā) خوانده تادجیکستان Tadjikistan (موسوی ص ۱۳) که در آن zه را که معمولاً برابر ج است دج و مصوت کوتاه (i) را مصوت بلند خوانده است.

قرائت غلط کلمه‌هائی که به خط اروپائی آوانویسی شده اساس اکثر اشتباهات مؤلف اعلام‌المنجد بوده است و بهتر بود که منتقد دانشمند به این جنبه نیز اشاره می‌فرمودند.

چا دارد از آقای دکتر کمال موسوی، بجهت اقدامی که در تصحیح یکی از رائجترین کتابهای امروز کرده‌اند تشکر کنیم.

آذرنوش

* * *

« نظرات جدیدة فی تاریخ الادب »

تالیف احمد لواسانی دانشیار زبان فارسی دانشگاه لبنان، قطع وزیری
بیروت ۱۹۷۱ ص ۴۳۲.

این کتاب مشتمل بر سه مبحث است :

۱ - «حول جبن حسان بن ثابت» . مؤلف در این مبحث عوامل اتهام حسان بن ثابت را به جبن و ترسویی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و نتیجه می‌گیرد که این اتهام زائیده حقد و حسادت کوته‌بینان و مخالفین وی بوده است ؛ مؤلف برای اثبات نظریه خود باشعار حسان بن ثابت که بحقیقت مرآت تجلی احساسات درونی و نمایشگر خلجانان نفسانی شاعر است استشهاد مینماید و معتقد است که خودداری حسان از درگیری با معاندین اسلام و عدم شرکت در غزوات جز کهولت و ناتوانی جسمی علت دیگری برای آن متصور نیست و شایعه ترسو بودنش کاملاً بی اساس است .

۲ - «علامات الاستفهام حول بعض کتب الآداب المنسوبة لابن المقفع» مؤلف در این مبحث پیرامون صحت انتساب رساله «الادب الصغیر» به عبدالله بن المقفع تردید نموده و بر این عقیده است که رساله «ادب الصغیر» [آئین کودک] که در فهرست ابن الندیم و سایر مصادر تاریخی با شتباه «الادب الصغیر» با الفولام ضبط گردیده همان رساله «الادب الوجیز للولد الصغیر» است که آنرا ابن مقفع برای تربیت فرزندش نوشته است^۱ مؤلف برای توجیه نظریه خود دلالتی ارائه می‌دهد که اهم آنها عبارت است از :

الف - در مطالب رساله «الادب الصغیر» تسلسل منطقی

۱- یگانه نشانه‌ئی که ازمن عربی این رساله بجای مانده ترجمه فارسی خواجه نصیرطوسی است به شیوه ابوالمعالی نصرالله منشی در ترجمه کتاب کلیله و دمنه . این ترجمه برای نخستین بار در سال ۱۳۱۲ شمسی بسمی و اهتمام مرحوم سید عبدالرحیم خلفالی با مقدمه عالمانه شادروان استاد عباس اقبال آشتیانی در تهران منتشر گردید ، و دوبار دیگر بهمت غلامحسین آهنی معلم زبان فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان و محمد تقی دانش پژوه دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ضمن مجموعه آثار خواجه بطبع رسید . نگارنده سطور ، همین ترجمه را با اضافات و زیادات مترجم در سال ۱۹۶۳ میلادی در قاهره به عربی برگردانید و در صحت انتساب آن به ابن مقفع هیچگونه تردیدی ندارد و این کوشش ناچیز بوسیله مؤسسه انتشارات عالم الکتب در قاهره چاپ و منتشر گردید .

بآنگونه که در سائر رسائل ابن المقفع مشهود است بچشم نمی خورد بلکه یک نوع عدم تناسب و از هم گسیختگی (بنا به عقیده مؤلف) بر آنها حکمفرما است .

ب - در کتاب الحکمة الخالدة (جاویدان خرد) تألیف ابن مسکویه ، فقراتی به حکیم فارسی نسبت داده شده که عیناً در رساله « الادب الصغیر » موجود است و بطوریکه می دانیم - بنا بگفته مؤلف محترم - روش ابن مسکویه آن است که هر مطلبی را که از شخصی نقل می کند نام او را صریحاً ذکر مینماید و حال آنکه در اینجا فقط به ذکر لقب حکیم فارسی بسنده کرده است . سپس مؤلف در پایان ، چنین اظهار نظر می کند که رساله موجود « الادب الصغیر » باید مجموعه پراکنده بی ازگفتارهای متقدمین و از جمله از سخنان خود ابن المقفع باشد که در یک دفتر گرد آمده و آنرا با اشتباه به ابن المقفع نسبت داده اند .^۱

۳ - « الشعویة هل هی حركة مفتعلة فی الاسلام » . مؤلف در این مبحث موضوع حساس شعوییه را بدقت مورد بررسی قرار داده و این پرسش را مطرح می کند که آیا شعوییه اصولاً پدیده از جریانات نوادی مسلمانان در قرون اولیه اسلام است یا معلول عاملی خارجی است که بمنظور تضعیف نیروی معنوی مسلمانان و بالنتیجه متزلزل ساختن موجودیت اسلام صورت گرفته است . مؤلف با ارائه دلائل تاریخی می کوشد یهود را عامل اساسی این غائله در جامعه مسلمانان معرفی کند و بحث خود را با عبارتی که عیناً در اینجا نقل می شود خاتمه می دهد : « هو اذ اباب نفتحہ امام الدارسین والمحققین ولا نستبعد ان یجدسوانافی قادم الایام ادلة جدیدة تؤید، أو لا تؤید تقدیرنا بان اليهود - شعب الله المختار - من اجل افساد الاسلام و تصدیع مجتمعه من الداخل ، هم الذین افتعلوا فیه فتنة الشعویة » .

۱ - برای مزید اطلاع از نظریه مؤلف محترم در مورد رساله « الادب الصغیر » به مقاله نگارنده سطور در شماره ۳ ، مجله معارف اسلامی ، نشریه سازمان اوقاف مراجعه شود .

موضوع دیگری که در این کتاب جلب نظر می کند روش نوی است که مؤلف محترم در نگارش خط عربی بکار برده بدین معنی که اشکال حروف عربی را بر مبنای آوای آنها ترسیم نموده است مانند: لکن ، هاذأ، رماوالخ ، ایشان معتقد است که اینگونه نگارش در تسهیل امر آموزش زبان برای نونهالان عرب زبان از یک سوی و یگانگان از سوی دیگر نقش مهمی را ایفا می کند .
محمد غفرانی

* * *

«التحصیل»

تألیف: بهمنیار بن مرزبان - الف، ط، ۸۹۶ ص - قطع وزیری -
از انتشارات دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران ، ش
۱۳۴۹، ۲۹ ش .

کیارثیس ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان ، فیلسوف آذربایجانی ،
شاگرد ابن سینا ؛ پس از مرگ استادش این کتاب را برای دائی خود
« ابومنصور بهرام بن خورشید بن ایزدیار » ، به ترتیب کتاب حکمت
علائی (دانشنامه علائی) و برخی کتب دیگر ابن سینا در سه بخش:
منطق ، طبیعیات ، و الهیات ساخته است . چنانکه در مقدمه کتاب
آورده ، این کتاب شامل سه بخش : منطق ، مابعدالطبیعة ، علم اعیان
موجودات است .

بخش منطق مشتمل بر سه مقاله ، مابعدالطبیعة درشش مقاله
و علم اعیان موجودات دارای دو مقاله است ، و هر مقاله نیز شامل
چند فصل می باشد .

۱ - گروهی از نویسندگان درباره او نوشته اند: « که وی در آغاز مجوسی بوده ، سپس به
اسلام نائل آمده است. رک: روضات الجنات) طرز تفکر بهمنیار با مجوسیت نمیسازد ، علاوه بر آنکه
در مبحث « تقدم » به افضلیت ابوبکر بر عمر مثال می زند ولی این مطلب نمیتواند دلیل تسنن و یا
اساساً دلیل بر اسلام بهمنیار باشد (ر: مقدمه التحصیل ص: ح)

در بخش اول مسائل منطق ، و در بخش دوم امور عامه فلسفه ، و در بخش سوم الهیات بالمعنی الاخص و قسمتی از طبیعیات و مسائل نفس را آورده است .

باید گفت : این کتاب ، گسترده تر از دانشنامه و نجات؛ و کوتاهتر از شفا ، و جامعتر از اشارات می باشد .

بهمنیار در این کتاب از اکثر آثار حکمی ابن سینا و محاوراتی که میان آندو جاری بود بهره برده ، و مطالبی نیز از خود بر آن افزوده است . ما در کتاب «التحصیل» به مسائلی بر خورد می کنیم که احياناً مخالف یا نظر ابن سینا است؛ و هم چنین در برخی موارد مخالف با نظر مشهور می باشد .

مصصح محترم جناب آقای مطهری نمونه هائی از این اختلاف نظر را در مقدمه کتاب ، مشخص نموده اند^۱ باید این نکته را نیز اضافه نمود که بهمنیار غالباً عین عبارات استاد خود ، ابن سینا را در این کتاب آورده است .

دانشمندان متأخر از قبیل ملاصدرا در کتاب «اسفار» مطالبی از التحصیل را تأیید کرده ، و نیز یکی از براهین او را در «شرح هدایه» آورده است .

کتاب التحصیل بسیار ساده و شیوا است ، و در قرن پنجم و ششم هجری در ردیف کتب مهم فلسفی مورد استفاده طالبان علوم عقلی بوده ، و مانند نجات و شفای ابن سینا اساس مطالعه و تحصیل طلاب قرار گرفته بود .

نظر به اینکه بهمنیار تحت الشعاع استاد خود ، ابن سینا بوده است ، لذا - آنچنان که باید - او و کتاب «التحصیل» وی چندان

جلوای نکرد ، شاید همین نکته سبب متروک شدن «التحصیل» از لحاظ تدریس در مدارس شد ؛ ولی به اعتراف محققان ؛ بهمینار شخصیتی راسخ در فلسفه و حکمت بوده است .

این کتاب که بیست و نهمین شماره از انتشارات دانشکده الهیات تهران می باشد ، باعتماد و عنایت خاص جناب آقای دکتر محمدی رئیس محترم دانشکده در چاپ و تصحیح آن اقدام شد و زیر نظر جناب آقای مطهری که از فضلاء بنام می باشند به تصحیح و تعلیق رسید و ریاست محترم دانشکده در مقدمه ای که بر این کتاب نگاشتند ضمن معرفی شخصیت علمی بهمینار از کوشش مصحح تقدیر فرموده اند . دانشمند محترم جناب آقای مطهری - دانشیار و مدیر گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشکده الهیات - که در فلسفه و حکمت شخصیتی بارز و محقق صاحب نظر است ، تصحیح و تعلیق این کتاب را به عهده گرفته ، وسیعی بلیغی در مقابله نسخه ها بکار برده اند .

نخست از یکی از نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات رونویسی شده و نسخه اصل قرار داده شد ، ولی پس از اطلاع از نسخه دیگری که بهتر از نسخه الهیات بود و در « مکتبه الاوقاف العامة » حلب قرار داشت ؛ نسخه حلب بعنوان نسخه اصل در تصحیح و مقابله انتخاب گردید و موارد اختلاف این دو نسخه در پاورقی ها یادآوری شد . در آغاز قسمتهائی از « التحصیل » با سه نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی ، کتابخانه مدرسه سپهسالار ، و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مقابله و تصحیح گردید ، ولی چون ضمن بررسیها معلوم شد که بهمینار در این کتاب بیشتر از عین عبارات استادش «ابن سینا» استفاده برده است لذا آنرا با چند نسخه خطی شفا مقابله نمود ، و از مقابله با نسخه های سه گانه فوق - که فایده ای جز تکثیر نسخه بدل ها نداشت صرف نظر شد .

آقای مطهری به منظور تصحیح برخی عبارات و یا احیاناً مطالب «التحصیل» از کتب حکمی متأخران نیز بهره برده‌اند .

کتاب تصحیح شده ، دارای فهرست مفصل مطالب ، و نیز فهرست اعلام و فهرست نامهای کتبی است که در کتاب «التحصیل» از آنها یاد شده است . کوشش مصحح دانشمند از نظر دقت در یادآوری موارد اختلاف نسخ و بی‌جوئی عبارات صحیح از خلال مآخذ دیگر که خود مستلزم رنج فراوانی بود ، در خور ستایش و تقدیر است .

محمد باقر حجتی

گزارشهای علمی دانشکده

the \mathbb{R}^n is the n -dimensional volume element $dx_1 \wedge \dots \wedge dx_n$.

Let \mathcal{V} be a volume in \mathbb{R}^n . Then the volume of \mathcal{V} is given by

$$V(\mathcal{V}) = \int_{\mathcal{V}} dx_1 \wedge \dots \wedge dx_n.$$

Let \mathcal{V} be a volume in \mathbb{R}^n . Then the volume of \mathcal{V} is given by

$$V(\mathcal{V}) = \int_{\mathcal{V}} dx_1 \wedge \dots \wedge dx_n.$$

Let \mathcal{V} be a volume in \mathbb{R}^n . Then the volume of \mathcal{V} is given by

$$V(\mathcal{V}) = \int_{\mathcal{V}} dx_1 \wedge \dots \wedge dx_n.$$

Let \mathcal{V} be a volume in \mathbb{R}^n . Then the volume of \mathcal{V} is given by

$$V(\mathcal{V}) = \int_{\mathcal{V}} dx_1 \wedge \dots \wedge dx_n.$$

Let \mathcal{V} be a volume in \mathbb{R}^n . Then the volume of \mathcal{V} is given by

$$V(\mathcal{V}) = \int_{\mathcal{V}} dx_1 \wedge \dots \wedge dx_n.$$

Let \mathcal{V} be a volume in \mathbb{R}^n . Then the volume of \mathcal{V} is given by

$$V(\mathcal{V}) = \int_{\mathcal{V}} dx_1 \wedge \dots \wedge dx_n.$$

Let \mathcal{V} be a volume in \mathbb{R}^n . Then the volume of \mathcal{V} is given by

$$V(\mathcal{V}) = \int_{\mathcal{V}} dx_1 \wedge \dots \wedge dx_n.$$

Let \mathcal{V} be a volume in \mathbb{R}^n . Then the volume of \mathcal{V} is given by

$$V(\mathcal{V}) = \int_{\mathcal{V}} dx_1 \wedge \dots \wedge dx_n.$$

Let \mathcal{V} be a volume in \mathbb{R}^n . Then the volume of \mathcal{V} is given by

$$V(\mathcal{V}) = \int_{\mathcal{V}} dx_1 \wedge \dots \wedge dx_n.$$

معرفی برخی تألیفات و ترجمه های هیئت علمی دانشکده الهیات

۱ - « کتاب علم النفس یا روانشناسی صدرالمتألهین »

ترجمه و تحقیق آقای جواد مصلح . این کتاب که شامل ترجمه و تفسیری از سفرنفس « کتاب اسفار » می باشد در سه مجلد تنظیم گشته است و جلد اول آن شامل : پنج مقاله درباره ماهیت نفس و اثبات وجود آن و بیان اقسام نفوس چهارگانه و شرح و تفصیل قوای مدرکه و محرکه آن است و در سازمان انتشارات دانشگاه در دست چاپ است .

۲ - « نگاهی به تاریخ زبان فرهنگ تازی و تأثیر فارسی در آن (پیش از اسلام) » ، تألیف آقای دکتر آذرتاش آذرنوش .

این کتاب راههای نفوذ فرهنگ و زبان فارسی را در جهان عرب پیش از اسلام بررسی کرده است و اینک در چاپخانه دانشگاه دست اندرکار طبع آن اند .

۳ - « خریدة القصر و جریدة العصر » ، جلد ۲ از بخش شعرای مغرب و اندلس ، تألیف عماد اصفهانی ، تحقیق آذرتاش آذرنوش . جلد اول این کتاب در بخش « معرفی کتابها » شناسانده شده است .

جلد دوم آن که در تونس انتشار یافته و هنوز بدست مانرسیده است در آینده معرفی خواهد شد .

۴ - « تاریخ اللغات السامیه » ، تألیف دکتر اسرائیل ولفنسون . کتاب مزبور یکی از مهمترین مآخذ تاریخ زبانهای سامی است که مؤلف آنرا مستقیماً به زبان عربی تألیف کرده است ، چون جای این منبع مهم در کتابخانه‌های فارسی زبان خالی است ، لذا استادان گروه فرهنگ عربی و علوم قرآنی دست‌اندرکار ترجمه آن به فارسی شده‌اند و پس از آماده شدن انتشار خواهد یافت .

۵ - « ترجمه متن لعه » : متن یکی از متون قدیمی و معتبر فقه شیعه است که بنا به اهمیت این متن شرحهای متعددی بر آن نوشته شده است . اما تاکنون متن آن با روشی تحقیقی و علمی بفارسی ترجمه نشده بود . آقایان دکتر فیض و دکتر مهذب استادان گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دست‌اندرکار ترجمه آن بفارسی شدند و قرار است جزو انتشارات دانشگاه منتشر شود .

۶ - یکی از کارهای تحقیقی و علمی گروه فرهنگ و تمدن اسلامی ترجمه کتاب : « The Preaching of Islam. » بفارسی است و استادان گروه فرهنگ اسلامی هم‌اکنون در صدد ترجمه این کتاب می‌باشند که خود تحقیقی است ارزنده در زمینه مسائل اسلامی .

۷ - « مقدمه بر فلسفه حقوق شیعه » ، تألیف آقای دکتر عزتی استاد یار گروه فرهنگ و تمدن اسلامی ، چاپ دانشگاه تبریز ، در ۳۰ صفحه . نویسنده در این کتاب سیستم و نظام حقوقی تشیع را با مکاتب حقوقی اهل سنت و با توجه به نظامهای حقوقی جهان معاصر مقایسه کرده است .

بعضی از رساله‌های دکتری که در سال ۱۳۵۱
در جلسات دفاع مطرح شده و به تصویب رسیده است.

۱- «خدمات طاهریان به فرهنگ و تمدن ایران» نگارش و تحقیق آقای عبدالمهدی یادگاری. نویسنده که تحصیلات لیسانس و فوق لیسانس خود را در رشته زبان و ادبیات عرب در دانشگاه تهران دانشکده الهیات و دانشگاه امریکائی بیروت بی پایان رسانده است در ۳/۸/۵۱ رساله دکتری خود را در فرهنگ عربی و علوم قرآنی براهنمائی جناب آقای دکتر محمدی با درجه بسیار خوب گذرانیده. نویسنده در این رساله به خوبی موفق شده است که خدمات ارزنده و علمی و سیاسی طاهریان را به فرهنگ ایران نشان دهد و نقش مؤثر آنانرا در احیای میراث ایرانی بیان نماید. مقالات و بررسیها در شماره‌های آینده خود اقدام به چاپ خلاصه از این رساله خواهد نمود.

۲- «ابن العمید و آثار او» نگارش و تحقیق آقای محمد فاضلی از گروه فرهنگ عربی و علوم قرآنی به راهنمایی جناب آقای دکتر محمدی. در باره این دانشمند که از چهره‌های درخشان علمی اسلامی ایران است تاکنون بحث تحقیقی جامعی نشده بود؛ آقای فاضلی که از فارغ التحصیلان فاضل دانشکده الهیات می‌باشد برای نخستین بار به این کار ارزنده پرداخت و در ۲۵/۸/۱۳۵۱ رساله دکتری خود را در این زمینه با درجه بسیار خوب گذرانید.

۳- «آفرینش از دیدگاه فلسفی» نوشته، آقای حسین خلیقی، راهنمایی آقای مصلح.

آقای خلیقی که از فارغ التحصیلان لایق رشته فلسفه و حکمت اسلامی این دانشکده می‌باشد رساله خود را در تحت عنوان فوق در ۲۴/۱۰/۵۱ با موفقیت گذرانید.

۴ - « مقایسه آراء ارسطو و ابن‌سینا در الهیات بمعنی الاخص » ،
تألیف آقای غلامحسین نگینی ، براهنمائی آقای مطهری .

آقای نگینی که فوق لیسانس خود را در سال ۴۹ - ۴۸
از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران گرفته است در زمینه فلسفه
اسلام اطلاعات عمیقی دارد ، باین جهت با صلاحدید گروه فلسفه
و حکمت اسلامی یکی از موضوعهای دشوار فلسفی را انتخاب کرده
پس از چند سال کوشش توانست رساله ارزنده‌ای به گروه مزبور تقدیم
نماید . این رساله در تاریخ ۳/۱۲/۵۱ با درجه بسیار خوب پذیرفته
شد .

۵ - « سرزمینهای جنوبی خلیج فارس » ، تألیف آقای محمد
حسینی براهنمایی جناب آقای دکتر محمدی .

دانشکده الهیات از آنجا که علاوه بر تحقیقات تاریخی تحقیق
و بررسی در زمینه مسائل روز مربوط به ایران و سایر کشورهای اسلامی
را هم در سرلوحه هدفهای خود قرار داده است ، لذا به آقای حسینی
توصیه نمود که در باره کشورهای جنوبی خلیج فارس تحقیق نماید
آقای حسینی نیز این موضوع را برای پایان نامه خود انتخاب کرد
و بکار پرداخت و سرانجام در ۱۷/۱۲/۵۱ رساله پرسود خود را
با موفقیت در گروه فرهنگ عربی و علوم قرآنی گذراندید .

۶ - « نامهای شهرها و دیده‌های خراسان » ، تألیف آقای احمد
حسینی رنجبر ، براهنمائی آقای دکتر آذرتاش آذرنوش .

آثار جغرافیای تاریخی یکی از رشته‌های مورد علاقه دانشکده
الهیات می‌باشد ؛ آقای رنجبر با توجه باین نکته و پس ازمشورت فراوان
با استادان گروه فرهنگ عربی و علوم قرآنی موضوع مذکور در فوق را
بعنوان رساله دکتری انتخاب نمود و کتاب بسیار ارزنده‌ای در پیش‌از

هفتصد صفحه تقدیم گروه نمود که در ۲۸/۱/۲۰۰۲ با درجه بسیار خوب پذیرفته شد. خلاصه این رساله در همین شماره از مقالات و بررسیها به چاپ رسیده است.

بعضی از موضوعهائی که برای رساله های
دکتری بتصویب شورای دکتری رسیده و
فارغ التحصیلان دوره دکتری بدین شرح به تحقیق
و بررسی آنها اشتغال دارند:

۱ - تصحیح و تحقیق « دستورالذمه ادیب نطنزی » ، عنوان
پایان نامه دکتری آقای رضا هادی زاده از گروه فرهنگ عربی و علوم
قرآنی ، براهنمائی استادان گروه .

۲ - « مدارس نظامیه و تأثیر آن در پیشرفت علوم و معارف
اسلامی » ، عنوان رساله دکتری آقای نورالدین کسائی از گروه فرهنگ
عربی و علوم قرآنی با راهنمائی استادان گروه .

۳ - « تحقیق در نظریات خاصه فیلسوفان قرن چهارم آقاعلی
مدرس » ، از گروه فلسفه - پایان نامه دکتری آقای اصغر دادبه ، براهنمائی
جناب آقای مطهری .

۴ - « بررسی و تحقیق در باره کتاب محصل امام فخررازی
و تلخیص محصل خواجه طوسی » ، عنوان پایان نامه آقای احمد توانا
از گروه فلسفه براهنمائی استادان گروه فلسفه و حکمت اسلامی .

۵ - « سهم دین در مشروطیت ایران » ، عنوان پایان نامه
آقای جمال الدین میرسلیمی از گروه ادیان و عرفان ، براهنمائی آقایان
دکتر مجتبائی و دکتر محبی .

۶ - « فرهنگ مصطلحات تاریخی و جغرافیایی مروج الذهب »
عنوان پایان نامه آقای خسروی الحسینی از گروه فرهنگ عربی و علوم
قرآنی ، براهنمائی استادان گروه فرهنگ عربی .

۷- «عرفان اسلامی و تطبیق آن با عرفان مسیحی در ه قرن اول»
عنوان پایان نامه آقای کریم وزیری از گروه فرهنگ و تمدن اسلامی
با راهنمایی آقای دکتر مجتبائی و دکتر هروی .

۸- « داوری بین غزالی و ابن رشد » عنوان پایان نامه آقای
ماشاءالله طلاچیان از گروه فلسفه و حکمت اسلامی براهنمایی آقای
مطهری .

۹- « خرم دینان » ، عنوان پایان نامه دکتری خانم شهین
دخت کامران مقدم از گروه ادیان و عرفان با راهنمایی آقایان دکتر
مجتبائی ، دکتر مناقبی و دکتر محبی .

۱۰- « سیر خط کوفی در ایران از قدیمترین ایام تا عصر
حاضر » عنوان رساله دکتری آقای اهل علی ایمانی از گروه فرهنگ
و تمدن اسلامی براهنمایی جناب آقای ستوده .

۱۱- « تناسخ و تحول تاریخی آن » ، عنوان رساله دکتری
آقای هرمز بهمن پور از گروه فلسفه و حکمت اسلامی با راهنمایی آقای
مطهری و دکتر آریان پور .

۱۲- « آراء خاصه صدرالمتهلین در علم النفس با توجه به آراء
متفکران دیگر » ، عنوان رساله دکتری آقای احمد خسرو جردی از گروه
فلسفه و حکمت اسلامی با راهنمایی آقایان مصلح و دکتر آریان پور .

۱۳- « شرح حال و تحقیق آثار راغب اصفهانی » ، عنوان رساله
دکتری آقای میرلوحی فلاور جانی از گروه فرهنگ عربی و علوم قرآنی
براهنمایی استادان گروه .

۱۴- « تحقیق در آثار میدانی » ، عنوان رساله دکتری آقای
علی احمدی بهنام از گروه فرهنگ عربی و علوم قرآنی براهنمایی جناب
آقای دکتر محمدی .

- ۱۵ - « فرهنگ مصطلحات فقهی در باب معاملات »، عنوان رساله دکتری آقای محسن جابری عربلو از گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی براهنمایی آقای دکتر گرجی .
- ۱۶ - « فرهنگ مصطلحات فقهی در باب احکام »، عنوان رساله دکتری آقای قاسم صادقی از گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی براهنمایی آقای دکتر مهدب .
- ۱۷ - « فرقه نصیرییه ، عقاید و سیر تاریخی این عقاید در مذاهب دیگر »، عنوان رساله دکتری آقای فیروز علیزاده منصوری از گروه ادیان و عرفان براهنمایی آقای دکتر گلشن .
- ۱۸ - « شیخ اشراق و آراء خاصه او در فلسفه اسلامی »، عنوان رساله دکتری آقای نجفقلی حبیبی از گروه فلسفه و حکمت اسلامی براهنمایی آقای دکتر ملکشاهی .
- ۱۹ - « حیات فرهنگی کرد در پرتو اسلام »، عنوان رساله دکتری آقای حسن جاف از گروه فرهنگ و تمدن اسلامی براهنمایی آقای دکتر ستوده و آقای دکتر آذرنوش .
- ۲۰ - « تصحیح متن : الملل والنحل محمد عثمان عراقی »، عنوان رساله دکتری آقای غلامرضا دشتی از گروه ادیان و عرفان براهنمایی استادان گروه .

از کتابخانه دانشکده الهیات گزارش میدهند :

- ۱ - در سال ۱۳۵۱ جمعاً ۹۸۸ جلد کتاب که غالباً از ماخذ معتبر هستند به تعداد کتابهای کتابخانه افزوده شد و در دسترس دانشجویان و اهل تحقیق قرار گرفت .

- ۲ - تعداد کسانی که برای مطالعه از سالن کتابخانه استفاده کرده‌اند در سال ۱۳۵۱ بالغ بر ۲۰۰۰ نفر بوده است.
- ۳ - کتابخانه دانشکده برای استفاده اهل علم و تحقیق اعم از استادان یا دانشجویان این دانشکده یا خارج دانشکده آمادگی کامل دارد و به زودی با تکمیل تجهیزات و محل خود وسائل بیشتری را در اختیار محققان داخلی و خارجی خواهد گذاشت .